

# داستان ولادت حضرت عیسیٰ (ع) در قرآن و انجیل



مقدمه

«بار خدایا ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان قرآن  
چنگ می‌زنند و در فهم متشابهاتش به پناهگاه محکم و  
استوار شهر پناه می‌برند و در سایه‌بان آن آرام می‌گیرند و  
به روشنی بامداد شهر راه می‌یابند و به درخشیدن  
روشنایی آن اقتدا می‌کنند؛ از چراغ آن چراغ می‌افروزند  
و هدایت و رستگاری را در غیر آن نمی‌طلبند.»

صحیفه سجادیه - دعای ۲۲

فرشته مظهري

آنچه در این صفحات آمده است، تلاشی است ناچیز در راه آشنایی با بی‌کرانه‌ای از شگفتی و اعجاب و قطره‌ای هرچند اندک از اقیانوسی سرشار از اسرار و رموز بی‌پایان هستی و خدا و انسان.

نوشته حاضر در دو بخش زیر تهیه شده است:

۱) مقایسه داستان تولد حضرت یحیی و حضرت عیسی (ع) در قرآن کریم و انجیل. این دو داستان به‌طور مرتب و بر حول یک محور به دنبال هم بیان شده‌اند، هم در قرآن و هم در انجیل. شرح این دو داستان در «عهد جدید، انجیل لوقا، باب اول و دوم» آمده است و در قرآن، در سوره‌های «آل عمران، انعام، مریم و انبیاء».

۲) سبک‌شناسی ادبی پانزده آیه اول سوره «مریم». لازم به ذکر است جهت کامل‌تر شدن مطالب هر دو قسمت (بیش‌تر قسمت اول) همان‌طور که در قبل نیز اشاره شده، از تفاسیر «المیزان» و «نمونه» استفاده گردیده است. به‌علاوه کتبی نیز جهت آشنایی بیشتر با سبک قرآن، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و کمابیش به آن‌ها رجوع شده است. فهرست این کتب در آخر هر بخش داده شده است.

## بخش اول: مقایسه

شیوه کار در این بخش به این ترتیب است که ابتدا آیه موردنظر از انجیل با ترجمه فارسی آن آمده است و به دنبال آن متن عربی آیات مشابه قرآنی همراه با ترجمه فارسی. سپس اختلافات و تشابهات و دیگر توضیحات لازم، افزوده شده است.

۱- از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند به‌سوی تألیف حکایات آن‌طوری که نزد ما به اتمام رسید.

۲- چنانچه آنانی که از ابتدا نظارگان و خادمان کلام بودند به ما رسانیدند.

۳- من نیز چنان مصلحت دیدم که همه را من‌البدایة به‌تدقیق در پی‌رفته به‌ترتیب به‌تو بنویسم ای تیوفلس عزیز.

۴- تا صحت آن کلامی که در آن تعلیم یافته‌ای دریایی.

۵- در ایام هرودیس پادشاه یهودیه، کاهنی زکریا نام از فرقه ایسا بود که زن او از دختران هارون بود و ایصابات نام داشت.

۶- هر دو در حضور خدا صالح و به جمیع احکام و فرایض خداوندی بی‌عیب و سالک بودند.

۷- و ایشان را فرزندی نبود زیرا که ایصابات نازا بود و هر دو دیرینه‌سال بودند.

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِيَّا / مریم

در این آیات پروردگارت از رحمتش بر بنده خاص خود زکریا سخن می‌گوید.

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا / مریم

عرض کرد پروردگارا استخوان (وارکان) حیات من سست گشت و فروغ پیری بر سرم بتافت و با وجود این من از دعایی به درگاه کرم تو (چشم امید دارم و) خود را محروم از عطای تو هرگز ندانسته‌ام.

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا / مریم

یاد کن حکایت او را وقتی که خدای خود را پنهانی و از صمیم قلب ندا کرد.

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا / مریم

بارالها من از این ملوثان کنونی که (پسرعموهای من هستند) بیمناکم (مبادا که پس از من در مال و مقام و خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجه من هم نازا و عقیم است تو از لطف خاص خود فرزند و جانشینی صالح به من عطا فرما.

بَسْرْتَنِي وَبَسْرْتُ مِنْ آلِ يَسْعُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا / مریم

که او وارث من و همه آل یعقوب باشد و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما.

با توجه به آیات مذکور، در انجیل از زکریا به عنوان «کاهن» یاد شده است که همراه با زنتش الیصابات در خدمت خدا بوده‌اند، افرادی صالح و در انجام جمیع احکام و فرائض خداوند کوشا. اما زکریایی که قرآن توصیف می‌کند دارای مقام نبوت است و بر او وحی می‌شده است. چنان که در اول سوره «مریم» او را به عبودیت و در سوره «انعام» در عداد انبیایش شمرده و از صالحان و نیز از محبتانش خواننده که عبارتند از مخلصون و هم‌چنین از «مهدویونش» دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم به زندگی حضرت زکریا اشاره‌ای نشده است فقط قصه کفالت او حضرت مریم را و نیز دعایش به درگاه ایزد تعالی برای طلب فرزند در سوره‌های: آل‌عمران، مریم، الانبیاء و انعام ذکر گردیده است.

از آن‌جا که حضرت مریم پدرش عمران را از دست داده بود، تحت تکفل و سرپرستی زکریا قرار گرفت و وقتی بزرگ شد از مردم کناره‌گیری کرد و در محرابی که در مسجد (صومعه) به خود اختصاص داده بود عبادت خدا را می‌کرد. تنها کسی که به او سر می‌زد حضرت زکریا (ع) بود. هر وقت زکریا به محراب او وارد می‌شد نزدش رزقی می‌یافت و می‌پرسید این غذا را چه کسی برایت آورده است؟ او می‌گفت این از جانب خداوند است که خدای تعالی به هر که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد و همان‌طور که قرآن کریم این ماجرا را در آیات ۳۶ و ۳۸ آن‌عمران بیان می‌کند، زکریا با دیدن این صحنه‌ها به رحمت خداوند امیدوارتر می‌گردد و از خداوند می‌خواهد که در این شرایط به او فرزندی عطا کند:

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

«پس خداوند خواهش او را به نیکی‌ی پذیرفت (که) از مقبولان درگاهش نمود) و او را به ترتیبی نیکی پرورش داد و زکریا را به کفالت و نگهداری او برگماشت (و به او کرامتی کرد که) هر وقت زکریا به صومعه عبادت مریم می‌آمد رزق شگفت‌آوری می‌یافت (میوه‌های زمستانی را در تابستان و میوه‌های تابستانی را در زمستان) می‌گفت این روزی از کجا برای تو می‌رسد؟ پاسخ می‌داد که این از جانب خداست که همانا به هر کس خواهد روزی بی‌حساب دهد.» ۳۶ / آل‌عمران

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ۳۸ / آل‌عمران

چون زکریا کرامت مریم دید عرض کرد پروردگارا مرا به لطف خویش فرزندان پاک‌سرشت عطا فرما که همانا تویی مستجاب‌کننده دعا.»

نظیر این مضمون در آیه ۸۹ سوره الانبیاء نیز آمده است: «وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، و یاد آور حال زکریا را هنگامی که خدا را ندا کرد بارالها مرا تنها یک تن و تنها وامگذار (و به من فرزندی که وارث من باشد عطا فرما) که تو بهترین وارث اهل عالم هستی.»

۸ - و واقع شد که چون به نوبت فرقه خود در حضور خدا کفالت می‌کرد.

۹ - حسب عادت کفالت نوبت او شد که به قدسی خداوند درآمده بخور بسوزاند.

۱۰ - و در وقت بخور تمام جماعت قوم بیرون عبادت می‌کردند.

۱۱ - ناگاه فرشته خداوند به طرف راست مذبح بخور ایستاده بر وی ظاهر گشت.

۱۲ - چون زکریا او را بدید در حیرت افتاده ترس بر او مستولی شد.

۱۳ - فرشته به او گفت ای زکریا ترسان مباش زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است و زوجات

الصبابات برای تو پسری خواهد زایید و او را یحیی خواهی نامید.

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ إِسْمُهُ يُحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ۗ / مریم

(ما دعای او را مستجاب کرده گفتیم) ای زکریا همان تو را به فرزندی که نامش یحیی است بشارت می دهیم.

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَاسْلَخْنَا لَهُ رُوحَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَتَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ۙ / الانبیاء، ۹۰

ما هم دعای او را مستجاب کردیم و یحیی را به او عطا فرمودیم و جفتش را که (نازا بود) شایسته همسری او قابل ولادت گردانیدیم زیرا آنها در کارهای خیر تعجیل می کردند و در حال بیم و امید ما را می خواندند و همیشه به درگاه ما خاضع و خاشع بودند.

فَتَادَتُهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَانِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ۙ / آل عمران، ۳۹

پس فرشتگان زکریا را ندا دادند هنگامی که او در محراب به نماز ایستاده بود که (ای زکریا) خدایت به ولایت یحیی مژده می دهد در حالی که او به نوبت عیسی به کلمه خداگواهی می دهد و خود در راه خدا پیشوا و پارسا و پیامبری از شایستگان است.

\* \* \*

در آیات انجیل در باب فرزنددارشدن حضرت زکریا و چگونگی درخواست زکریا از خداوند و دعایش برای طلب فرزند اشاره ای نشده است. فقط زمانی که دعای او از جانب خداوند پذیرفته می شود و این خبر توسط فرشته خداوند به او اعلام می گردد، در آیات بدان اشاره شده.

اما در قرآن کریم درخواست زکریا و نیز علت تقاضایش از زبان خود او بدین گونه شرح داده شده است که: زکریا به علت پیری و فرسودگی خودش و همسرش و نازایی او، عدم داشتن ارث برنده و خویشاوندان

ناخلف، با دیدن رحمت خاص خداوند بر حضرت مریم تقاضای فرزندی از درگاه خدا می نماید و بعد از آن استجابت دعایش به او اعلام می شود. همان طور که در آیات فوق الذکر نیز مشاهده می شود در این مورد صحبتی (در انجیل) نشده است و فقط به شرایط حضرت یحیی (در حال بخوردادن مذبح) به هنگام نزول فرشته خدا، اشاره گردیده است.

۱۴ - و تو را خوشی و شعر رخ خواهد نمود و بسیاری از ولادت او مسرور خواهند شد.

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ۙ / مریم

و هم در حق پدر و مادر بسیار نیکی کرد و هرگز به احدی ستم نکرد و معصیت خدا را مرتکب نگردید.

تشابهی که در این آیات به چشم می خورد مربوط به شادی و سروری است که از تولد یحیی نصیب همگان خواهد شد زیرا که از همان کودکی به مقام نبوت و پیامبری قوم خویش رسیده است و این برکتی است و بشارتی برای نجات آنان از گمراهی و هدایت شان در مسیر نور و روشنایی.

این مفهوم در آیه ۱۴ سوره مریم نیز آمده و علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان آن را این گونه شرح داده است که به نص این آیه حضرت یحیی نسبت به مردم رثوف و رحیم و خیرخواه و متواضع بوده و ضعفای ایشان را یاری می کرده و آنهایی را که آمادگی هدایت و رشد داشته اند هدایت می نموده (ولم یکن جباراً). از طرفی نسبت به والدینش نیکوکار بوده (براً بالذیة) و در برابر پروردگارش هم متقی و پرهیزگار (تقیاً).<sup>۲</sup>

جمع این خصوصیات در یک فرد او را مایه برکت، مبارکی، سرور و شادمانی بسیار می گرداند.

۱۵ - زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پُر از روح القدس خواهد بود.

وَخَنَانًا مِنَ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ۙ / مریم

و او به لطف خاص ما بدان مقام نبوت رسید و از

این رو طریق بندگی خدا و تقوی پیش گرفت.

وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ  
حَتَّى ۱۵ / مریم

سلام حق بر او باد در روز ولادتش در روز وفانش و روزی که برای زندگانی ابدی برانگیخته خواهد شد.

در این جا لازم است که ابتدا به شرح اصطلاح «پرشدن از روح القدس» بپردازیم و سپس آن را با «حَنَاناً مِنْ لَدُنَّا» از آیه ۱۳ سوره مریم مقایسه کنیم.

گوردن لندی در کتاب خود «تعمید روح القدس» در توضیح این اصطلاح این گونه آورده است: «هدیه بزرگ مسیح به پیروانش عبارت بود از پری نیرومند روح القدس... روح القدس به صورت زبانه های آتش و چون باد شدید ظاهر گردید و تمام خانه ای را که شاگردان در آن جا بودند پر ساخت و آن ها به طرزی که روح القدس به ایشان قدرت تلفظ می بخشید به سخن گفتن شروع کردند. این هدیه بسیار عالی که به آن ها رسید زندگی شان را دگرگون ساخت و آتش الهی را در آن ها روشن نمود. هر چند اشخاصی بی علم و معمولی بودند، به همه جا رفتند و پیامی را موعظه نمودند که زندگی مردم را عوض کرد.»<sup>۳</sup>

مسیح فرزند خدا، از آسمان فرود آمد، چون جلال خود را ترک فرمود و انسان شد، تابع ضعف های بشری گردید. در نقش بشری خود به عنوان پسر انسان، به تعمید روح القدس احتیاج داشت.<sup>۴</sup>

روح القدس با مؤمن است ولی بعد از دریافت تعمید روح القدس، روح القدس در او خواهد بود. روح القدس بر جلال یگانه چیزی است که می تواند روح انسان را به طور کامل اذیت کند. انسان طوری آفریده شده است که به خودی خود نمی تواند کامل باشد. در روح او یک خلأ روحانی وجود دارد. اگر این خلأ به وسیله خدا پر نشود آخر الامر به وسیله شرارت پر خواهد شد.<sup>۵</sup> [وجود روح القدس باعث می شود اگر چه] نور قبامت هنوز نرسیده است ولی در عین حال روح خدا بدن های فانی

ما را زنده [سازد] تا قدرت کافی داشته باشیم که بتوانیم کاری را که خدا به ما سپرده است انجام دهیم.<sup>۶</sup> کتاب اعمال رسولان نشان می دهد که در کلیسای رسولان تعمید روح القدس معمولاً بعد از توبه و ایمان انجام می شد.<sup>۷</sup> [طبق روایت] کتاب مقدس تقریباً به طور قطع اولین علامت تعمید روح القدس سخن گفتن به زبان های دیگر است.<sup>۸</sup> زیرا پرشدن از روح القدس و تکلم به زبان های دیگر با هم تعمید روح القدس را به وجود می آورند و سخن گفتن به زبان های دیگر همان «آرامش» و «استراحت» است که خداوند وعده فرموده است و نیز یک تمرین روحانی است.<sup>۹</sup>

روح القدس یک وجود واقعی است. وقتی وارد انسان می شود سخن می گوید. این ظهور روح القدس و حضور وی همان برکت بزرگ و آرامی و استراحت عظیم است.<sup>۱۰</sup> روح القدس به کسانی داده می شود که هر چند ممکن است نقص های زیادی داشته باشند ولی قلباً خدا را از هر چیز دیگری بیش تر دوست دارند. خدا مایل است که در زندگی ما همیشه جای اول را داشته باشد.<sup>۱۱</sup> هر شخصی که هنوز گناهان خود را دوست دارد و بسا به دنیا علاقه مند است، برای دریافت روح القدس آماده نیست بلکه برعکس باید در فکر توبه باشد.<sup>۱۲</sup> مردم نمی توانند خود را عوض کنند ولی می توانند از گناهان خود توبه نمایند. مقصود این نیست که انسان باید خودش را بهتر کند بلکه آنچه حایز اهمیت است این است که علاقه شدید برای نزدیک شدن به خدا وجود داشته باشد. یعقوب حواری می فرماید: «به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید.» (یعقوب ۴: ۸) <sup>۱۳</sup> با توجه به معنای اصطلاح «پر از روح القدس شدن» می توانیم عبارت «حَنَاناً مِنْ لَدُنَّا» را برای آن معادل فرض کنیم. زیرا همان طور که صاحب تفسیر نمونه در ذیل تفسیر این آیه آورده است «حَنَان» در اصل به معنی «رحمت و شفقت و محبت و ابراز علاقه و تمایل» است.<sup>۱۴</sup> و این موهبتی است که از جانب خداوند (من

لدنا) به حضرت یحیی علیه السلام عنایت شده است. علاوه بر این امتیاز، به دنبال آیات قبلی در انجیل در وصف سجایای اخلاقی حضرت یحیی به عدم شرابخواری ایشان اشاره شده است و در قرآن کلمه «زکوة» به معنای «عمل صالح، اطاعت و اخلاص، نیکی به پدر و مادر، حسن شهرت و نیز پاکسی پیروان» و عبارت «وکان تقياً» که دلالت بر پرهیزگاری ایشان است، ذکر گردیده‌اند.

بهترین قسمت آیه ۱۵ سوره مریم است که «تأیید الهی» را در حق حضرت یحیی به اثبات می‌رساند به‌ویژه این‌که این آیه سلام و درودی است از جانب خداوند در سه روز مهم و پرخطر برای انسان که در آن بیش از همیشه نیاز آدمی به یک پناهگاه و تکیه‌گاه محکم و استوار احساس می‌شود.

۱۶ - و بسیاری از بنی‌اسرائیل را به سوی خداوند، خدای ایشان خواهد برگردانید.

۱۷ - و او به روح و قوت الیاسی پیش‌روی وی خواهد خرامید تا دل‌های پدران را به طرف پسران و نافرمانان را به حکمت عادلان بگرداند تا قومی مستعد برای خدا مهیا سازد.

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۱۲ / مریم

(چون زکریا ذکر تسبیح و نماز کرد به او یحیی را عطا کردیم و) به یحیی خطاب کردیم دستورات آسمانی را به قوت نبوت فراگیرد و به او در همان سن کودکی مقام نبوت دادیم.

... أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ۳۹ / آل عمران

... خدایت به ولایت یحیی مژده می‌دهد در حالی که او به نبوت عیسی به کلمه خدا گواهی دهد و خود در راه خدا پیشوا و پارسا و پیامبری از شایستگان است.

نکته مشابهی که در این آیات وجود دارد مقام نبوت حضرت یحیی است در هنگام کودکی ایشان با این

تفاوت که در انجیل نامی از کتاب حضرت یحیی به میان نیامده است حال آن‌که در قرآن کریم به «الکتاب» اشاره شده است. اما در این‌که این چه کتابی است اختلاف می‌باشد. این‌که آیا همان تورات حضرت موسی است یا زبور حضرت داود و یا کتاب دیگری مشخص نیست.

نکته دیگری که از آیه ۳۹ آل عمران استفاده می‌شود این است که حضرت یحیی قبل از حضرت عیسی به پیامبری برگزیده شده است و این از نظر تاریخی نیز همین‌گونه است، گرچه داستان تولد حضرت یحیی و حضرت عیسی بلافاصله و به‌دنبال هم در قرآن بیان شده‌اند بلکه این به معنای هم‌زمان بودن پیامبری آنان نمی‌باشد بلکه وقایع مشابهی است که در تولد این دو پیامبر، و نیز مقام نبوت و همین‌طور سجایای اخلاقی آنان وجود دارد. اما در انجیل پیامبری این دو در یک زمان است و حضرت عیسی توسط حضرت یحیی تعمیددهنده، تعمید داده شده است. در قرآن فقط به تأیید حضرت عیسی توسط یحیی اشاره گردیده است.

۱۸ - زکریا به فرشته گفت این را چگونه بدانم؟ و حال آن‌که من پیر هستم و زوجه‌ام دیرینه‌سال است.

قَالَ رَبِّ اَنْتَ بَكُوْنُ لِيْ غُلَامًا وَ كُنْتَ اِمْرَاْتِيْ عَاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ۸ / مریم

زکریا (از فرط شگفتی) عرض کرد الها مرا از کجا پسری تواند بود در صورتی که زوجه من نازا (و سن نود متجاوز) و من هم (به قرب صد رسیده‌ام و) از شدت پیری خشک و فرتوت شده‌ام.

قَالَ رَبِّ اَنْتَ بَكُوْنُ لِيْ غُلَامًا وَ قَدْ بَلَغْتَ مِنَ الْكِبَرِ وَ اِمْرَاْتِيْ عَاقِرٌ فَسَالِ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۴۰ / آل عمران

زکریا عرض کرد به پروردگار چگونه مرا پسری تواند بود در حالی که مرا سن پیری فرارسیده و اهل من نیز عجوزی نازا باشد گفت چنین است کار خدا (هرگز نیازمند اسباب نیست) هرچه بخواهد کند (بی آن‌که به شرایط و اسباب محتاج باشد).

هر دو دسته این آیات دلالت دارد بر اعجاب زکریا از اجابت دعایش از جانب خداوند. با وجود این که حضرت زکریا خود به هنگام طرح خواست و نیازش به درگاه الهی اقرار می نماید که به استجابت دعاهايش از طرف خدا عادت کرده است لیکن تحقق این امر به علت وجود موانع اساسی مثل پیری و فرتوت بودن خودش و نازایی همسرش به قدری برایش عجیب و شگفت انگیز می نماید که تعجب خود را آشکار کرده و از خداوند می خواهد که نشانه ای به او ارایه کند.

۱۹ - فرشته در جواب وی گفت من جبرائیل هستم که در حضور خدا می ایستم و فرستاده شدم تا به تو سخن بگویم و از این امور تو را مژده دهم.

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ۙ ۹ / مریم

(فرشته گفت خدا فرمود این کار برای ما بسیار آسان است (که به خواست من به اسباب عادی مربوط نیست) و منم که تو را پس از هیچ و معدوم بودن نعمت وجود بخشیده ام.

همان طور که از آیه ۱۹ انجیل برمی آید فرشته خود را فرستاده خداوند، جبرائیل، معرفی می کند که حامل بشارتی از جانب اوست برای زکریا. در مقایسه قرآن کریم علاوه بر این که به دادن مژده تولد حضرت یحیی اشاره می کند، انجام این امر را از جانب خداوند و به خواست او مطرح می کند. و از طرف دیگر برای رفع شگفتی زکریا به اصل آفرینش استدلال می کند. یعنی خدایی که آفرینش را از هیچ و عدم آغاز کرد و خود تو را که هیچ بودی و عدم، در وجود آورد کاری بس شگرف تر و عظیم تر انجام داده است. حال آن که در این مورد خاص از نظام اسباب و مسببات استفاده نموده و خواست و امر خود را از طریق این نظام جاری کرده است. در واقع قهاریت و قدرت مطلق خداوند و تسلط او بر تمامی امکان هستی به نمایش گذارده شده است.

۲۰ - والحال تا این امور واقع نگردد گنگ شده یا

رأی حرف زدن نخواهی داشت زیرا سخن های مرا که در وقت خود به وقوع خواهد پیوست باور نکردی.

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۙ ۱۰ / مریم

زکریا باز عرضه داشت بارالها برای من نشانه ای بر این بشارت قرارده (تا شکر گفته و مطمئن شوم) خدا فرمود بدین نشان که با مردم ناسه روز تکلم نکنی (و بر سخن قادر نباشی).

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْرًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۙ ۴۱ / آل عمران

عرض کرد خدایا به شکرانه این نعمت آیت و عبادتی مقرر فرما فرمود تو را آیت این است که سه روز با مردم سخن نگوئی جز به رمز و پیوسته به یاد خدا باش و او را شبانگاه و صبحگاه تسبیح گوی.

در مقام مقایسه این آیات باید گفت در انجیل ارایه آیت و نشانه به عنوان تنبیهی از جانب خدا تلقی شده است زیرا زکریا درجا سخن خداوند را باور نکرد و طلب نشانه کرد. اما قرآن آن را آیتی دانسته است که موجب تمیز حق و باطل می شود. زکریا خود برای اطمینان بیش تر و یقین در صحت خبر و نیز شکرگزاری به درگاه او طلب نشانه می کند و خداوند هم به ایشان پاسخ داده آیه ارایه می کند. او جز در هنگام حمد و ثنا و عبادت و ذکر خداوند نمی تواند از زبانش استفاده کند و با مردم جز با اشاره و رمز یارای سخن گفتن ندارد و اما این نشانه عجیبی بود «نشانه ای که از یک سو هم آهنگ با حال مناجات و دعای او بود و از سوی دیگر او را از همه خلایق می برید و به خدا پیوند می داد تا در این حال شکر این نعمت بزرگ را به جا آورد و بیش از پیش به نیایش خدا وادارد.»

۲۱ - و جماعت منتظر زکریا می بودند و از طول توقف او در قدس متعجب شدند.

۲۲ - اما چون بیرون آمده توانست با ایشان حرف

زند پس فهمیدند که در قدس رؤیایی دیده است پس به سوی ایشان اشاره می‌کرد و ساکت ماند.

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝ ۱۱ / مریم

پس ما به زکریا در آن حالی که از محراب عبادت بر قومش بیرون آمد وحی کردیم که تو و امت همه صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید و خدا را از شرک و شریک منزّه خوانید.

در این آیات صحبت از برخورد زکریاست با مردم هنگام خروج از محراب عبادت. در هر دو دسته آیات بیان گردیده است که زکریا وقتی از عبادتگاه خود خارج می‌شود «با زبان اشاره» با مردم سخن می‌گوید ولی نمی‌تواند از زبان خود استفاده کند. اما علاوه بر این قرآن ذکر می‌کند که زکریا در ضمن اشارات خود از مردم می‌خواهد که به شکرانه نعمت بزرگی که خداوند به زکریا و قومش ارزانی داشته است در صبح و شام به تسبیح و نماز خداوند قیام کنند و او را از شرک و شریک منزّه خوانند.

آیات ۲۳ تا ۲۵ انجیل به ذکر ماجرای بارداری ایصابت، همسر زکریا پرداخته است که در این زمینه آیه مشابهی در قرآن نیامده است. در این جا ترجمه فارسی آن‌ها را در زیر می‌آوریم:

۲۳ - و چون ایام خدمت او به اتمام رسید به خانه خود رفت.

۲۴ - و بعد از آن روزها او ایصابت حامله شد. مدت پنج ماه خود را پنهان نمود. گفت:

۲۵ - به این‌طور خداوند به من عمل نمود در روزهایی که مرا منظور داشت تا ننگ مرا از نظر مردم بردارد.

۲۶ - و در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد.

۲۷ - نزد باکره نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود.





وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْثَمًا إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا  
شَرْقِيًّا ۱۶ / مريم

و ای رسول ما یادکن در کتاب خود احوال مريم را  
آن نوری که از اهل خانه خویش کناره گرفته به مکانی به  
شرق (بیت المقدس برای عبادت) روی آورد.  
از این جا به بعد شرح بارداری حضرت مريم و تولد  
حضرت عیسی آمده است.

با دقت در این دو آیه از انجیل سه نکته را می توان  
دریافت: زمان نزول فرشته بر حضرت مريم که در ماه  
ششم بارداری ایصابات ذکر شده است، دوم مکانی  
است که مريم (ع) در آن جا سکونت داشته و آن بلدی  
بوده از «جلیل» به نام «ناصره». سومین نکته هم در مورد  
«یوسف» نامزد حضرت مريم می باشد.

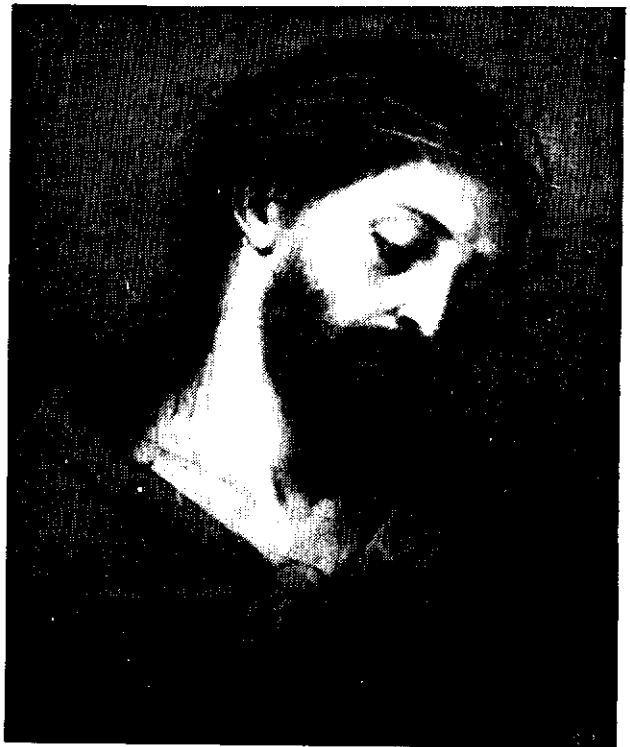
در مقایسه با آیه ۱۶ سوره مريم برای این نکات  
معادل هایی می یابیم: کلمه «اذ»، که ظرف زمان است و  
بیانگر روزی که فرشته وحی بر مريم نازل می شود.  
«انتبذت» به معنای «دورانداختن اشیای غیر قابل توجه»  
است و این مفهوم اشاره دارد به کناره گیری متواضعانه و  
گمنام حضرت مريم (ع) از خانه اش برای عبادت و  
بالاخره نکته سوم «مکاناً شرقیاً» می باشد که گویا اشاره  
به بیت المقدس دارد. یعنی جایی که مردم برای عبادت  
خود انتخاب می کنند.

۲۸ - پس فرشته نزد او داخل شده گفت: سلام بر تو  
ای نعمت رسیده. خداوند با تو است و تو در میان زنان  
مبارک هستی.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا  
فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۱۷ / مريم

و آن گاه که از همه خویشان به کنج تنهایی پنهان  
گردید ما روح خود را (روح القدس که فرشته اعظم  
است) بر او (در صورتی زیبا) مجسم ساختیم.

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ  
وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ۴۲ / آل عمران  
آن گاه فرشتگان گفتند ای مريم خداوند تو را برگزیده



و پاکیزه گردانید و به زنان جهانیان برتری بخشید.

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ۴۳ / آل عمران

ای مریم فرمانبردار خدا باش و نماز را با اهل طاعت به جای آر.

مهم ترین نکته ای که در این آیات مورد اختلاف است، مسئله تمثیل فرشته الهی است. به این ترتیب که در انجیل اشاره به تجسم فرشته در قالب انسانی نشده است اما قرآن کریم بیان می کند که فرشته خداوند در قالب بشری مجسم شده و بر مریم (ع) ظاهر می گردد که البته این تمثیل طبق نظر مفسران صرف تمثیل در ظاهر است نه در ذات فرشته.

از طرف دیگر هر دو دسته آیات به برگزیده بودن مریم در میان زنان عالم اشاره نموده اند که در گهواره سخن بگوید و دارای کتاب و شریعت گردد. ابن جاست که مریم (ع) سمبل و نمونه عفت و پاکی و تقوی به جهانیان معرفی می گردد.

همه این آیات مبتنی بر این است که: «مریم (ع) خود به تنهایی این مقامات را دریافت کرد و این مقام مریم (ع) بود که باعث شد زکریا از خدای سبحان فرزندی طلب نماید. علاوه بر این که سفارشی به قنوت و دوام عبارت و خضوع مستمر و سجود و رکوع نشانه مقام خود مریم است. نیز اوصافی که ذات اقدس الهی برای این بانو ذکر می کند نشانه آن است که شخصیت خود مریم (ع) موجب شد تا فرشته ها را ببندد و با آنها سخن بگوید و سخنان آنها را بشنود.»<sup>۱۶</sup>

۲۹ - چون او را دید از سخن او مضطرب شده متفکر شد که این چه نوع تحیت است.

قَالَتْ اِنِّي اَسْؤُذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتُ نَفِيًّا ۱۸ / مریم

مریم (که آن روح مجسم را در آن صورت نیکو دید بدو) گفت من از تو به خدای رحمان پناه می برم که تو پرهیزکاری کنی.

در این آیات عکس العمل حضرت مریم در برخورد با فرشته خداوند بیان گردیده است. در آیه ۲۹ انجیل تنها صحبت از اضطراب و نگرانی مریم است در حالی که در آیه ۱۸ سوره مریم، حضرت مریم با ذکر نام خدای رحمان به «رحمت» او پناه می برد تا اگر این ناشناس قصد سوئی نسبت به او دارد تحت حمایت پروردگارش که بهترین تکیه گاه در سراسر زندگی انسان است قرار گیرد و از طرفی این موجود متمثل در قالب انسان را هم به پرهیزگاری و تقوی الهی دعوت می کند.

۳۰ - فرشته بدو گفت ای مریم ترسان مباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته ای.

۳۱ - و اینک حامله شده پسری خواهد زاید و او را عیسی خواهی نامید.

قَالَ اِنَّمَا اتَّخَذْنَا رِسْوٰلًا لِّكِي غُلَامًا زَكِيًّا ۱۹ / مریم

(روح القدس در پاسخ مریم) گفت: من فرستاده خدای توام آمده ام تا به امر او تو را فرزندی بخشم بسیار پاکیزه و پاک سیرت.

اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يَا مَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ يَبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اِسْمُهُ الْمَسِيْحُ عِيسٰى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ۲۵ / آل عمران

چون فرشتگان مریم را گفتند که خدا تو را با کلمه ای که نامش مسیح بن مریم است بشارت می دهد که او در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خداست.

در آیه ۳۰ انجیل فرشته الهی به مریم (ع) مژده می دهد که در نزد خداوند «نعمت» یافته است و همان طور که در آیه بعدی (۳۱) اشاره گردیده است این نعمت پسری است که عیسی نام نهاده خواهد شد.

قرآن معادل «نعمت» از «کلمه» یاد می کند که اسمش عیسی است. در این جا فرشته وحی پس از معرفی خود تولد عیسی را به مریم بشارت می دهد، و صفاتی را برای عیسی برمی شمارد که عبارتند از: «زکیاً» فرزندی بسیار پاکیزه و پاک سیرت؛ «وجیها فی الدنیا والآخره» آبرومند

در دنیا و آخرت؛ «من المقربین» از مقربان درگاه الهی.

۳۲ - مریم به فرشته گفت این چگونه می شود و حال آن که مردی را شناخته ام؟

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ۚ ۲۰ / مریم

مریم گفت (ای عجب) از کجا مرا پسری تواند بود در صورتی که دست بشری به من نرسیده و من کار ناشایسته ای نکرده ام.

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ... ۴۷ / آل عمران

مریم عرض کرد که خدایا مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آن که مردی با من نزدیک نشده است...

حضرت مریم از شنیدن خبر تولد حضرت عیسی بسیار متعجب و شگفت زده می گردد و از فرشته می پرسد که چگونه بدون وجود پدری «چنین تولدی» ممکن خواهد بود؟ چرا که در نظر او برای تولد بچه شرایط و اسباب و عللی نیاز است. اما از طرفی می داند که او نه ازدواج کرده و نه کار ناشایسته ای انجام داده است؛ لذا متحیر می گردد. این طرز برخورد و شگفتی مریم در انجیل و قرآن به یک شکل بیان شده است.

۳۳ - فرشته در جواب وی گفت روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهند افکند. از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد.

۳۴ - او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی می شود و خداوند خدا تخت پدرش داود را به او عطا خواهد فرمود.

۳۵ - و او بر خاندان یعقوب تا ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلِيمٌ هَبِيبٌ وَإِن جَعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا.

(رسول حق از زبان بی زبانی خدا) گفت این چنین کار البته خواهد شد و آن بسیار به من آسان است و ما

این پسر را آیت (بزرگ و بینمبر عظیم الشان) و رحمت واسع خود برای خلق گردانیم و قضای الهی بر این کار رفته است. ۲۱ / مریم

... قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. ۴۷ / آل عمران

... گفت چنین است کار خدا که بی نیاز از هر سببی است هر چه بخواهد بدون اسباب می آفریند چون مشیت او به خلقت هر چیزی قرار گیرد به محض این که گوید موجود باش، موجود شود.

وَأَلْسِنِي أَعْصَمْتُ فَوْجَهَا فَتَفَخَّنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ. ۹۱ / الانبياء

«و یادکن مریم را که رحمش را پاک و پاکیزه گردانیدیم و در آن از روح خود دمیدیم و او را با فرزندش معجز و آیت بزرگ برای اهل عالم قرار دادیم.»

مَا كَانَ لِي لَهُ أَنْ يَتَّخِذَ مِنِّي وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. ۳۵ / مریم

خدا هرگز فرزندی اتخاذ نکرده که وی منزله از آن است. او قادری است که چون حکم نافذش به ایجاد چیزی تعلق گیرد گوید موجود باش بی درنگ آن چیز موجود شود.

طبق روایت انجیل پس از پرسش مریم (ع)، فرشته چگونگی امر را برای او تشریح کرده و می گوید که با نزول روح القدس و با قدرت مطلقه خداوند و تحت فرمان او چنین کاری صورت می گیرد. به علاوه مولود مریم را پسر خدا می خواند و از پادشاهی و سلطنت او بر خاندان یعقوب سخن می گوید.

در قرآن نیز چگونگی تحقق امر به قدرت و خواست خداوند نسبت داده شده است اما بدون ذکر هیچ واسطه دیگری، فقط آن را نتیجه اراده و مشیت الهی می داند که اگر به چیزی تعلق گیرد بی هیچ وقفه و تعللی محقق خواهد شد: کن فیکون. از طرفی آن را قضای الهی می داند که حتی خواست مریم هم نمی تواند آن را تغییر دهد. علاوه بر این موارد قرآن کریم به کرات

خداوند را از داشتن فرزند منزّه دانسته و در همین سوره نیز پس از ذکر مقدماتی این مطلب را بیان می‌کند و نیز با تأکید، در آیه ۲۵ سوره مریم، عیسی را پسر مریم می‌خواند.

در آیه ۲۱ سوره مریم ویژگی‌هایی برای حضرت عیسی ذکر شده که از آن جمله‌اند، رحمت و آیت بودن وی برای مردم از جانب خداوند تعالی.

\* \* \*

آیات ۳۶ تا ۳۸ انجیل ادامه گفتگوی حضرت مریم با فرشته الهی است. در ضمن این گفتگو فرشته خیر بارداری ایصابات را به مریم می‌دهد و با اشاره به رابطه خویشاوندی آن‌ها دوباره به داستان تولد حضرت یحیی و ارتباط آن با این ماجرا برمی‌گردد. بدین ترتیب به‌طور غیرمستقیم مقایسه‌ای بین این دو امر خارق‌العاده و این دو معجزه انجام می‌دهد. اما در قرآن کریم آیاتی که بیانگر این مطالب باشد نیامده است. در این جا فقط به ذکر ترجمه فارسی آن‌ها اکتفا می‌گردد.

۳۶ - و اینک ایصابات از خویشان تو نیز در پیری به پسری حامله شده و این ماه ششم است مرا و را که نازاد می‌خوانند.

۳۷ - زیرا نزد خدا هیچ امری محال نیست.

۳۸ - مریم گفت: اینک کنیز خداوندم و مرا برحسب سخن تو واقع شود پس فرشته از نزد او رفت. لازم به توضیح است که در قرآن اشاره‌ای به رابطه خویشاوندی یحیی و عیسی نشده است، اما داستان تولد هر دو به دنبال هم آمده و تشابهات بسیاری بین آن‌ها وجود دارد.

۳۹ - در آن روزها مریم برخاست و به بلدی از کوهستان یهودیه به‌شتاب رفت.

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا. / ۲۲ / مریم

پس مریم به آن پسر بار برداشت (و برای این‌که از سرزنش قوم جاهل برکنار باشد) به مکانی دور خلوت گزید.

این‌طور که انجیل روایت می‌کند، مریم پس از دریافت خبر تولد عیسی و باردارشدنش به بلدی از کوهستان یهودیه می‌رود. در آن‌جا به خانه زکریا و خواهرش ایصابات وارد می‌شود. سه ماه آن‌جا می‌ماند و سپس به خانه خود مراجعت می‌نماید (لوقا ۱: ۵۶). مریم هنگام وضع حمل دوباره به همراه نامزدش یوسف که از خاندان داود بود به بیت‌الحم می‌رود و فرزندش را در اصطبلی به دنیا می‌آورد.

اما از آن‌جا که به‌طور کلی در قرآن سیاق سخن مبنی بر ایجاز و اجتناب از حاشیه‌پردازی است، لذا این‌جا نیز نهایت اختصار به کار رفته و فقط به ذکر «مَكَانًا قَصِيًّا» یعنی مکانی دور (که جمعی از مفسران گفته‌اند شهر ناصره است) اکتفا کرده و بیش از این شرح و توضیحی اضافه نداده است.

\* \* \*

آیات ۴۰ تا ۸۰ از باب اول انجیل لوقا به شرح گفتگوهای مریم و ایصابات و نیز چگونگی تولد حضرت یحیی و سخنان زکریا در بزرگداشت مقام یحیی می‌باشد. چون در این زمینه‌ها معادل و مشابهی در قرآن وجود ندارد لذا از ذکر این آیات خودداری شده است.

بعد از این با استفاده از آیات اولیه باب دوم لوقا به ادامه موضوع می‌پردازیم.

\* \* \*

۶ - وقتی که ایشان در آن‌جا بودند هنگام وضع حمل او رسید.

۷ - پسر نخستین خود را زائید و او را در قنடைه پیچیده در آخور خوابانید زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود.

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ فَوَالَتْ بِمَا لَيْتَنِي مِثُّ قَيْلٍ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا. / ۲۳ / مریم

هنگامی که او را درد زایمان فرارسید زیر تنه درخت خرما می‌رفت (و از شدت درد) گفت ای‌کاش قبل از این مرده بودم و از صفحه عالم به کلی نامم فراموش شده

بود.

فَنَادِيهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَخْتَكِ  
سَرِيًّا. ۲۴ / مریم

از زیر آن درخت (روح القدس یا فرزندش عیسی) او را ندا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد (ای مریم) شاخ درخت را حرکت بده از آن برای تو رطب تازه فرو ریزد (و روزی خود را تناول کن).

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَفَرِّ عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِي مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا  
فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّبِّ حَمِيماً فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ  
إِنْسِيًّا. ۲۶ / مریم

پس (از این رطب) تناول کن و (از این چشمه) آب بیاشام و چشم خود (به عیسی) روشن دار و هرکس از جنس بشر را که ببینی (به اشاره) با او بگو که من برای خداوند نذر روزه سکوت کرده‌ام و با هیچ‌کس (تا روزه‌ام) هرگز سخن نخواهم گفت.

فَأَنْتَ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا  
فَرِيًّا. ۲۷ / مریم

آن‌گاه قوم مریم که (از این گفته آگاه شدند) به جانب او آمدند که به همراه ببرند (بر او زبان ملامت گشوده و) گفتند ای مریم عجب کاری مکر کردی.

يَا أُخْتُ هُوَ مِنْ مَّا كَانَ أَبِي إِمْرًا سَوْءٌ وَمَا كَانَتْ اُمُّكَ  
بِعِيًّا. ۲۸ / مریم

ای (مریم) خواهر هارون تو را نه پدر ناصالح بود و نه مادری بدکار (پس تو دختر بکر از کجا فرزنداندار شدی).

همان‌طور که از ظاهر آیات نیز پیداست انجیل شرایط وضع حمل حضرت مریم را بسیار عادی و خالی از هر مشکلی توصیف کرده و آن را از جانب مردم مقبول و به دور از هر ناملامتی از طرف آنان جلوه داده است، حال آن‌که قرآن علاوه بر توصیف دقیق و دادن یک تصویر بسیار زیبا از حالات و کرامات مریم به هنگام وضع حملش (کرامات: بارورشدن درخت خرما،

جوشیدن چشمه)، نحوه برخورد مردم را نیز در مواجهه با این امر بیان می‌کند.

مریم از نوع برخورد مردم نگران است زیرا آنان به علت ناباوری خود، شرف و حیثیت و آبروی و تقدس مریم را نادیده انگاشته و زیر سؤال می‌برند. او را متهم به بی‌عفتی می‌کنند. در حالی که مریم هیچ توانایی و وسیله‌ای برای دفاع از خود ندارد، برای رهایی از شکنجه‌های روحی خود تقاضای مرگ می‌کند. و البته خدایی که او را تا این‌جا کیشانده و از محراب عبادت به بیابان تنهایی و زیر درخت رحمت خود آورده، و با شراب لطف و کرامتش او را سیراب نموده است، در این لحظات بحرانی و حساس نیز با صدور فرمان روزه سکوت مریم، زبان ناتوان عیسی در مهد را قدرت سخن‌گفتن می‌بخشد و بدین ترتیب با لطف و قدرت خویش، بنده خاصش را در برابر تیغ تهمت جاهلان حفظ می‌نماید.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. تفسیرالمیزان، علامه طباطبایی.
۲. تفسیرالمیزان، علامه طباطبایی ص / ۳۲، ج ۲۷.
۳. تمجید روح القدس، گودرون لئندسی، ترجمه: ط میکائلیان، انتشارات سازمان نامه‌نگاری ایران، ص / ۱.
۴. همان منبع، ص ۲.
۵. همان منبع، ص ۶.
۶. همان منبع، ص ۷.
۷. همان منبع، ص ۱۱.
۸. همان منبع، ص ۱۴.
۹. همان منبع، ص ۱۶.
۱۰. همان منبع، ص ۱۷.
۱۱. همان منبع، ص ۲۷.
۱۲. همان منبع، ص ۲۸.
۱۳. همان منبع، ص ۲۹.
۱۴. تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، ج ۱۳، ص ۲۴.
۱۵. همان منبع، ص ۱۹.
۱۶. زن در آینه جلال و جمال، جوادی آملی، ص ۱۴۲.

۳

و چند قصه از چند سوره قرآن، برگزیده از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری معروف به سورآبادی، انتشارات دانشگاه تهران.

## بخش دوم: سبک‌شناسی

گفته‌اند این حروف «اسم اعظم» پروردگار را ازایه می‌دهند.

از تحقیقات کامپیوتری که بر روی کلمات و حروف قرآن صورت گرفته است، بدین نتیجه رسیده‌اند: «افتتاح طلیمه هر سوره در قرآن کریم با حروف مقطعه معین، همواره برابر با تَفَوُّقِ ریاضی معدل توارد و تکرار این حروف در خود آن سوره می‌باشد.»<sup>۲</sup>

### ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدُ زَكَرِيَّا

این آیه با کلمات «ذکر» و «رحمت» شروع شده است که هر دو از نام‌های قرآن هستند. کلمه «ذکر» در معنای «نام قرآن» ۱۹ بار<sup>۳</sup> در قرآن آمده است از جمله در آیه ۱۰۴ سوره یوسف این‌گونه می‌خوانیم:

«وَمَا تَشْتَهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»  
و نمی‌خواهی از ایشان بر آن هیچ مزدی، نیست آن مگر پندی از برای جهانیان.»

و کلمه «رحمت» تحت عنوان نام قرآن ۹ بار<sup>۴</sup> تکرار شده است به‌عنوان مثال در آیه ۸۲ سوره اسراء می‌خوانیم:

«وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».

و فرو فرستادیم در قرآن آنچه شفاء است و رحمتی است برای گروندگان و نمی‌افزاید ستمکاران را جز زیان. نام «ذکر» از آن‌جهت به قرآن اطلاق شده است که به بیان خود قرآن، قصص انبیاء و اقوام و ملل گذشته در آن روایت شده‌اند و نیز پند و موعظه‌ای است برای همه جهانیان و بیانگر حلال و حرام و احکام و دستورات نجات‌بخش الهی است برای نوع انسان و این سوره نیز به‌نوبه خود ذکر قصص انبیاء است.

«رحمت» نام گرفته است زیرا بیان لطف خداوند رحمان و رحیم است بر بشر که با فرستادن آن جهت را بر مکلفین تمام نموده و رحمتش را به نهایت رسانده است. این قرآن دلایل ظاهره و حجت‌های واضح و

سوره مریم نوزدهمین سوره قرآن و از دسته سوره‌های مکی و مشتمل بر نود و هشت آیه است. یکی از نکات جالب‌توجه در این سوره این است که در ضمن آیات اندک این سوره به حکایت و داستان ده پیامبر عظیم‌الشان یعنی «زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل و ادریس» و نیز به ماجرای حضرت مریم (ع)، به‌طور مختصر اشاره گردیده است و در پایان این امثال یک نتیجه کلی بیان شده. همان‌طور که علامه طباطبایی در شرح و تفسیر این سوره مبارکه آورده است، این سوره مردم را به سه طایفه تقسیم می‌کند:

۱) آن‌هایی که خدا انعامشان کرد یا انبیاء بودند و یا اهل هدایت.

۲) اهل غی، یعنی آن‌هایی که مایه و استعداد رشد خود را [به علت شهوت‌رانی و بی‌اعتنایی به پروردگار] از دست دادند.

۳) کسانی که توبه نموده ایمان آوردند و عمل صالح [انجام دادند] که به‌زودی به اهل نعمت و رشد می‌پیوندند.<sup>۱</sup>

\* \* \*

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. کهیمص ۱

سوره مریم یکی از چندین سوره قرآن است که با حروف مقطعه آغاز شده است. مفسران در توضیح و شرح این حروف نظرات متعددی را ابراز داشته‌اند، از جمله: عده‌ای آن را علامت رمزی بین خداوند و حضرت رسول گفته‌اند، گروهی هر حرف را علامتی برای یکی از صفات الهی در نظر گرفته. مثلاً صاحب تفسیرالمیزان در این زمینه می‌نویسد: «کاف» اشاره به «کافی» که از اسماء بزرگ خداوند است با «ه» اشاره به «هادی»، «باء» اشاره به «ولی»، «عین» اشاره به «عالم» و «ص» اشاره به «صادق‌الوعد» دارد<sup>۲</sup> و نیز گروهی

براهین روشن است از جانب خدا تا در امور دین، دید وسیع و بینش عمیق پیدا کنند و در راه تکامل و بشر دلیلی است برای عمل‌کنندگان. قرآن رحمت خداوند است بر عموم مردم به‌استثناء ظالمین. در این سوره نیز همان‌طور که قبلاً یادآور شدیم (در مقدمه این بخش) شرح حال هر دو دسته آمده است.

از طرف دیگر اگر در کلمات «ذکر، زکریا، رحمت و رب» که در این آیه وجود دارند دقت کنیم می‌بینیم «ذکر و زکریا» هر دو با صدای «ز» شروع شده‌اند که این صدای مشترک ارتباطی را بین این دو کلمه برقرار می‌سازد به این ترتیب که یک معنی «ذکر» بیان قصص انبیاء است و زکریا هم یکی از انبیاء الهی می‌باشد. هم‌چنین کلمات «رحمت و رب» هر دو با صدای «ر» شروع شده‌اند. رحمت از جانب رب است بدین ترتیب علاوه بر این که ارتباط معنایی خودبه‌خودی در این کلمات موجود است، حرف آغازین مشترک در آن‌ها، این ارتباط را تشدید می‌نماید.

نکته دیگر این است که کل آیه ذکر رحمت خاص پروردگار است بر بنده‌اش حضرت زکریا. این‌جا منظور از «ذکر»، «شرح و بیان» ماجرا و منظور از «رحمت» استجاب دعا و درگاه خداوند می‌باشد.

### اِذْ نَادَى رَبَّهُ نَدَاءً خَفِيًّا ۳

در این آیه دو صنعت هم‌صوتی (Assonance) و پارادوکس به‌کار رفته است. صدای بلند /a:/ در کلمات «نادی، نداء و خفياً» آمده و چهار بار تکرار شده است. به‌علاوه صدای بلند او /u:/ در کلمه «رَبَّهُ» علامت مدیه در کلمه نداء به‌همراه موارد قبلی مجموعاً عمل ندادادن را تشدید می‌کنند. زیرا عمل ندادادن با صدای بلند انجام می‌شود و این صداها نیز همه کشیده و بلند هستند.

در ترکیب «نداء خفياً» صنعت پارادوکس وجود دارد زیرا ندا دارای مفهوم ضمنی صدادادن با آواز بلند است

در حالی که «خفياً» درست معنای متضاد آن را دارد. اما کلمه خفياً علاوه بر این، معنای «پنهانی» نیز می‌دهد. پس این ترکیب را می‌توان این‌گونه توضیح داد: «ندادادن در خفا و پنهانی نه ندادادن با صدای آرام و خفی.» آیه ۱۱ همین سوره «فخرج علی قومه من المحراب...» نیز این حرف را اثبات می‌کند، زیرا مفهوم این آیه می‌گوید که زکریا در محراب عبادت خود به‌دور از چشم دیگران و در خلوت و تنهایی پروردگارش را ندا می‌دهد و تقاضایی را مطرح می‌کند که در آیات بعد روشن می‌گردد. از مجموع این بحث وجود یک تصویر شنیداری قوی در متن این آیه نتیجه می‌شود.

قَالَ رَبِّ انِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدَعْوَاتِكَ رَبِّ شَقِيًّا ۴

این آیه نقل قول زکریاست. زکریا در این آیه و آیه بعدی زمینه‌سازی می‌نماید برای طرح تقاضایش و دلایل خود را یک‌به‌یک برمی‌شمارد. آیه دارای چهار جمله است:

(۱) قَالَ: نقل قول زکریاست.

(۲) رَبِّ انِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي. «پروردگارا از پیری استخوانم سست شده است» در این جمله کلمه «رب» در ابتدای دعا و درخواست زکریا آمده است و «منادا» می‌باشد. سپس آمدن کلمه «وَأَنَّ» که نشانه تأکید است نشان می‌دهد برآورده شدن حاجت زکریا برای او یک امر حیاتی به‌شمار می‌رود. در ادامه اولین دلیل توسط زکریا ارایه می‌گردد: «استخوان‌هایم سست شده است». این‌که استخوان را نام می‌برد به این دلیل است که استخوان ستون و تکیه‌گاه بدن به‌حساب می‌آید و ضعف آن کل جسم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این‌جا از جزء به کل اراده شده و صنعت مجاز مرسل به‌کار رفته است.

(۳) «وَالشَّعْلُ الرَّأْسِ شَيْبًا» دومین دلیل زکریاست یعنی «سرم سفید شده است» در این جمله صنعت استعاره به‌کار رفته است. زیرا اشتعل به‌معنای آتش‌گرفتن





و شعله‌ور شدن و گسترش یافتن آن می‌باشد و این‌جا برای «سر» انسان استفاده شده. یعنی همان‌طور که شعله آتش در ماده قابل احتراق گسترش می‌یابد سفیدی مو نیز در سر من منتشر می‌گردد. به عبارت دیگر «سفیدی موی سر» استعاره است برای «پیری».

۴) «ولم اکن بدعائک ربّ شقیاً» این سومین دلیلی است که از جانب زکریا ارایه می‌گردد. «شقی» به معنای «محرومیت از خیر و نیکی» است و نقطه مقابل «سعادت» قرار دارد. زکریا با بیان این جمله به خداوند اعتراف می‌کند که من به برآورده شدن حاجاتم از سوی تو عادت کرده‌ام یعنی همواره پاسخ مرا داده و ناامیدم نکرده‌ای و باز هم برای تأکید بیش‌تر دوباره کلمه «ربّ» را تکرار می‌کند.

ضمناً هم‌صامتی (Alliteration) صدای «ش» در شماره ۳ با صدای آتش‌سوزی هارمونیک است.

واتی خفت الموالی من ورائی وکانت امراتی عاقراً فهب لی من لدنک ولیّاً ۵

این آیه دنباله آیه قبلی است که با حرف ربط «و» شروع شده است. به علاوه ادغامی که می‌تواند بین کلمه «شقیاً» و حرف ربط «و» گردد این ارتباط را دوبرابر می‌کند. ضمناً باید توجه داشت با آمدن جمله چهارم معنای آیه قبلی کامل می‌شود لیکن چون در این آیه دو دلیل دیگر برای تقاضای زکریا بیان شده باید آن‌ها را مرتبط دانست.

علت چهارم در جمله «وانی خفت الموالی من ورائی» این‌گونه آمده است: «از خویشاوندان و موالی خود می‌ترسم.» و این جمله را نیز با «ان» شروع کرده است و تأکید می‌کند خواست خود را. جمله «وکانت امراتی عاقراً» پنجمین و آخرین دلیل زکریاست که می‌گوید همسرم عاقر است یعنی تا حالا فرزندان نشده و اکنون از سن فرزندارشدنش گذشته است.

حضرت زکریا با عنوان کردن این دلایل می‌خواهد

بگوید که خدایا، تمام اسباب و وسایل عادی که برای فرزندارشدن من لازم است از بین رفته‌اند و تنها امیدم به اراده و مشیت توست، به همین خاطر است که در آخرین جمله این آیه «فهب لی من لدنک ولیّاً» تقاضایش را که طلب فرزند است مستقیماً می‌گوید.

اگر آیات ۴ و ۵ را با هم مقایسه کنیم درمی‌یابیم که هر دوی آن‌ها دارای یک نوع ساختارند. گذشته از جمله «قال» که علامت نقل قول است هر دو آیه از سه جمله تشکیل شده‌اند که دارای شکل و وزن معادل هستند:

رب انی وهن العظم متی

وانی خفت الموالی من ورائی ۵ کلمه

واشتعل الرأس شیئاً

وکانت امراتی عاقراً

۳ کلمه و یک حرف

ولم اکن بدعائک ربّ شقیاً

فهب لی من لدنک ولیّاً

۵ کلمه و یک حرف

یرثی ویرث من ال یعقوب واجعله ربّ رضیاً ۶

کلمه «ارث» در این آیه بسیار بحث‌انگیز است. مفسران نظرات متعددی را در این مورد ابراز داشته‌اند که مشهورترین آن‌ها عبارت است از این‌که آیا این ارث به معنای ارث مالی است یا در معنای وراثت مقام نبوت. به‌رحال در این آیه حضرت زکریا فرزندی را طلب می‌کند که هم مورد رضایت حق باشد و هم وارث او و آل یعقوب گردد. گفته شده است که ذکر آل یعقوب به این دلیل است که همسر زکریا از دودمان سلیمان بن داود بود و با توجه به وضع مالی بسیار خوب سلیمان و داود، اموالی را از آن‌ها به ارث برده بود.

یا زکریّا انا نبشّرك بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً ۷

«یا» در ابتدای آیه، «حرف ندا» است و زکریا «خدا

را»، به وسیله این آیه خداوند به زکریا بشارت می‌دهد که دعایش را مستجاب نموده و پسری به او عطا خواهد کرد، اسمش را هم خودش انتخاب می‌کند: «یحیی = زنده است، زندگی می‌کند» و اضافه می‌نماید که تا حالا کسی بدین نام خوانده نشده است. البته این تنها به اسم دلالت ندارد، بلکه شخصیت مسمی را هم دربر می‌گیرد زیرا تاکنون کسی با این شخصیت و ویژگی‌های خاص متولد نشده است. معنای اسم یحیی هم وجود ویژگی و صفتی منحصر به فرد را در او تأکید می‌نماید.

علاوه بر کلمه «أنا» که برای تأکید آمده است به کار رفتن علامت تشدید «ّ» در کلمات «أنا، زکریّا، مَبشّرک و سمیّا» و نیز ادغام کلمات نجعلُ لهُ، ضرب‌آهنگ خاصی را به وجود می‌آورد که بر اهمیت و درجه تأکید کلام می‌افزاید.

هم مصوتی صدای بلند /a:/ در کلمات «یا، زکریّا، انا، غلام، یحیی، سمیّا» تصویری شنیداری را که حالت ندادادن را در ذهن متداعی می‌سازد، به وجود آورده است.

قال ربّ ائی یكون لی غلام وکانت امراتی عاقراً وقد بلغت من الکبر عتیا ۸

از آن‌جا که زکریا عادت داشته است تولد فرزند را از طریق اسباب و علل عادی ببیند اکنون با شنیدن خبر این معجزه (که خرق عادت است) دچار حیرت می‌گردد. هنگامی که پروردگار تولد یحیی را به او بشارت می‌دهد، می‌پرسد چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که هم همسر من از سن فرزنددار شدن گذشته و هم من فرتوت و پژمرده گشته‌ام.

کلمات «عاقراً و عتیا» که در این‌جا آمده‌اند هر دو با یک صدا شروع و به یک صدا هم تمام می‌شوند، یعنی دارای صنعت Consonance هستند. از طرفی خود این دو نفر هم در صفت پیری و عدم بچه‌دار شدن با هم مشترک‌اند. این اشتراک نه تنها در معنا بلکه در لفظ نیز

منعکس شده است.

کلمه «انّ» نهایت تعجب زکریا را مورد تأکید قرار داده است. هم چنین هم‌صامتی صدای «ک» در کلمات «یکون، کانت، کبر» مشاهده می‌شود.

قال کذلک قال ربّک هو علیّ هین وقد خلقتک من قبل ولم تک شیئاً ۹

این آیه پاسخ پرسش زکریاست. تأکید بسیاری که در متن این پاسخ نهفته است آرامش و اطمینان خاطر را برای زکریا به همراه دارد. زیرا پروردگارش او را مطمئن می‌سازد که انجام این امر در نزد من بسیار سهل و آسان است.

آیه مشتمل بر پنج جمله است:

۱) قال: ما را برای شنیدن خبری آماده می‌سازد. ضمیر «هو» که در این فعل مستتر است به فرشته الهی برمی‌گردد که در این صورت جمله دوم یعنی «کذلک» خبری است که او بیان می‌کند.

۲) کذلک: اولین تأکید. واقع مطلب همین است و در این بشارت که دادیم هیچ شک و وجود ندارد.

۳) قال ربّک: ضمیر مستتر «هو» در این فعل به خدا برمی‌گردد. «پروردگارت این چنین گفت».

۴) هو علیّ هین: این کار بر من آسان است. برای دومین بار انجام فعلش را تأکید می‌نماید.

۵) وقد خلقتک من قبل ولم تک شیئاً: و به تحقیق تو را که چیزی نبوده‌ای از قبل خلق کرده‌ام. این‌جا سومین بار است که شک و تردید تبدیل به یقین شده است (کلمه قد = به تحقیق) و علاوه بر آن با اشاره به خلقت انسان از عدم، ادعای خود را مبتنی بر آسان بودن این عمل به اثبات می‌رساند.

در کنار این سه تأکید که مستقیماً در متن آیه آمده است، تعداد کلمات مشدّد (ربّک، علیّ هین) و هم‌صامتی صدای «ک» در کلمات: «کذلک، ربّک، خلقتک، تک» به‌طور ضمنی آهنگ و لحن مطمئنی



به وجود می‌آورند. به این ترتیب هارمونی بین لفظ و معنا را به وضوح می‌توان در این آیه مشاهده کرد.

لحن این آیه مقتدرانه است و قدرت حاکم و تسلط مطلق پروردگار را بر تمامی پدیده‌های هستی به یاد می‌آورد. گرچه نظام عالم نظام اسباب و مسببات است اما او هرکجا که بخواهد و مصلحتش اقتضا کند، اراده اثر را بر تمام وسایل و علل دیگر مقدم می‌سازد و حاکم نمایانند آیت و نشانه‌اش بر زکریا نیز خود دلیلی است بر اثبات جریان مداوم اراده و تقدیر او در جزء جزء پدیده‌های هستی، حتی در کنترل توانایی سخن گفتن فرد.

قال رب اجعل لی ایه قال ایتک الّا تکلم الناس ثلاث لیلال سویتاً. ۱۰

بعد از این که خداوند با سخن خود شک و تردید را از قلب زکریا می‌زداید، زکریا برای رسیدن به یقین و این که آنچه می‌شنود حقایق الهی است نه القائنات شیطانی طلب آیت و نشانه می‌کند. پروردگار نیز در جواب می‌فرماید که علامت الهی بودن آن این است که سه روز زیانت جز به ذکر خدا به چیز دیگر باز نشود.<sup>۶</sup> لازم به تذکر است که «ذکر خداوند» از آیه ۴۱ سوره آل عمران برداشت شده است.

فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبحوا بکرة و عشیاً ۱۱

پس از آن که زکریا آیت خود را دریافت داشت، از محراب عبادتش خارج می‌شود و به سوی قومش می‌رود در حالی که آنان را امر می‌کند به تسبیح خداوند در صبح و شام. (زیرا فرزندی به او عطا خواهد شد که نجات‌دهنده است از «موت» او «یحیی» است).

کلمه «محراب» اسم مکان است و دلالت دارد به مکانی که در آن به راز و نیاز با خدا می‌پردازند. مفسران در ذیل این کلمه آورده‌اند که محراب در اصل به معنای

مجلس اشرف بوده و همواره آجودان‌ها از ایشان حمایت و دفاع می‌کردند. اما در این جا اطلاق محراب به محل عبادت به این دلیل است که شخصی که به راز و نیاز با خدا مشغول است در حقیقت به جنگ شیطان رفته، به هنگام نماز در حال محاربه و ستیز با شیطان نفس است.<sup>۷</sup>

با توجه به معنای اصلی محراب می‌توان گفت: راز و نیاز و نماز به مفهوم حضور در مجلس بزم خداست. مجلسی که خلوتگاه عاشق و معشوق است و هویت واقعی آن تنها بر عارفان و واصلان حقیقی رخ می‌نماید و کسی که در این محفل حضور دارد توسط امدادها و نیروهای غیبی پروردگارش تأیید، حفاظت و حمایت می‌گردد.

هم‌صامتی صدای «ح» در کلمات «محراب، اوحی، الیهم، سبحوا» حالت تسبیح و حمد را در ذهن تداعی می‌کند. از طرفی این چهار کلمه دارای ارتباط معنایی هم هستند. محراب محل حمد و تسبیح است و اوحی فعلی است که در بردارنده پیام تسبیح به مردم (هُم ضمیر جمع مذكر است و در کلمه الیهم به مردم برمی‌گردد) است به وسیله زکریا (ع).

کلمات «بکرة و عشیاً» با هم تباین دارند چون ساعات آغازین و پایانی روز هستند. تولد یحیی هم یک طلوع جدید در زندگانی این مردم است که منجر به غروب تاریکی و ضلالت و گمراهی در زندگی‌شان خواهد شد. از طرفی خود کلمه «یحیی» معنای زندگی کردن را همراه دارد و این دو کلمه (بکرة و عشیاً) هم سیکل شبانه‌روز یعنی جریان مداوم زندگی را نشان می‌دهد. سیکلی که گفته شد تنها از نظر معنایی نیست بلکه از لحاظ لفظی هم در ادغام «بکرة و عشیاً» دیده می‌شود. یعنی با ادغامی که بین کلمه «بکرة» و حرف ربط «و» صورت گرفته است، گویا صبح و شب به هم پیوند خورده‌اند.

در ضمن یازده آیه‌ای که تا این جا بررسی شد،

روی هم‌رفته کلمه «رَبِّ» هشت‌بار تکرار شده است. با توجه به این‌که فرزنددارشدن در نظر زکریا با داشتن شرایط مذکور غیرممکن می‌نمود و تنها امید به لطف و کَرَم پروردگار بود که او را تشویق می‌کرد به درگاه الهی دعا کند و از طرفی با دقت در این موضوع که خداوند از همان ابتدا رحمتش بر زکریا را یادآوری می‌کند می‌توان به این نتیجه رسید که: تکرار کلمه «رَبِّ» همراه با تأکید فراوان هرگونه شک و تردید و نگرانی را از وجود زکریا پاک می‌سازد و بدین ترتیب خداوند موكداً اعلام می‌دارد به محض این‌که اراده او بر چیزی تعلق گیرد، آن امر حتماً و بلافاصله صورت خواهد پذیرفت: کن فیکون و هم‌چنین باید به خاطر داشت که از نظر روانشناسی تکرار و تأکید یک امر موجب تثبیت آن در ذهن می‌گردد و به انسان آرامش روحی و قلبی می‌دهد. (رَبِّ در آیات ۲، ۳، ۴ دو بار، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ تکرار شده است).

#### یا یحییٰ خذ الكتاب بقوة و اتیناه الحکم صبیاً ۱۲

آیات ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ویژگی‌ها و صفاتی را که خاص حضرت یحیی است برشمرده‌اند. در این آیه سه تا از این ویژگی‌ها آمده است:

(۱) یا یحییٰ خذ الكتاب بقوة: خداوند یحیی را مورد خطاب (منادئ) قرار داده به او امر می‌کند که با قوت و قاطعیت را که به‌نظر مفسران همان کتاب تورات است، بگیرد. «بقوة» که در آیات ۱۴۵/اعراف، ۶۳/بقره و ۹۳/بقره نیز آمده است، دارای معنی گسترده و وسیعی است و تمام قدرت‌های مادی و معنوی، روحی و جسمی در آن جمع است و این خود بیانگر این حقیقت است که نگهداری آیین اسلام با ضعف و سستی و مسامحه امکان‌پذیر نیست بلکه باید در دژ محکم و نیرومند قدرت و قوت و قاطعیت قرار گیرد.<sup>۸</sup>

(۲) و اتیناه الحکم صبیاً: منظور از کلمه «حکم» نبوت و حکمت و... است و با توجه به آیه ۱۶ مقام نبوت را برای یحیی اثبات می‌کند.

(۳) صبیاً: دلالت دارد بر نبوت آن حضرت در زمان طفولیت و کودکی اش.

#### وَحَنَاناً مِنْ لَدُنَّا وَزَكوةً وَكَانَ تَقِيّاً ۱۳

سه ویژگی دیگر حضرت یحیی در این آیه ذکر شده است و عبارتند از:

(۴) وَحَنَاناً مِنْ لَدُنَّا: یعنی دارای صفت رحمت و شفقت از نزد ماست. در این جمله باید به سه نکته دقت کرد اولاً آوردن حرف ربط «و» در ابتدای آیه ارتباط معنای آن را با آیه قبلی می‌رساند. ثانیاً اگر این جمله را همان‌طور که تلفظ می‌شود بنویسیم: وَحَنَانٌ مِنْ لَدُنَّا می‌بینیم که هم‌صامتی قوی صدای «ن» (۷ بار در یک جمله سه کلمه‌ای) آهنگ موزونی را ایجاد می‌کند. سومین نکته چگونگی تلفظ این عبارت است. این جمله که از سه کلمه تشکیل شده است به هنگام تلفظ به علت دو ادغام پی‌درپی به‌ظاهر یک کلمه به‌نظر می‌رسد:

حَنَاناً مِنْ لَدُنَّا ← نَنْ مِنْ لَدُنَّا ← حَنَا تَمْلِلُ لَدُنَّا ← حَنَا تَمْلِلُ لَدُنَّا

(۵) وَزَكوةً: صفت دیگر یحیی است و به معنای پاکی روح و جان و پاکی عمل است که از جانب خدا به وی عنایت شده است.<sup>۹</sup>

(۶) وَكَانَ تَقِيّاً: دلالت است بر تقوی و پرهیزگاری حضرت یحیی.

#### وَبِرّاً بوالديه وَلَمْ يَكُن جَبَّاراً عَصِيّاً ۱۴

این آیه نیز مانند دو آیه پیشین سه ویژگی دیگر برای یحیی ذکر می‌کند و همان‌طور که ملاحظه می‌شود با حرف ربط «و» آغاز شده است:

(۷) وَبِرّاً بوالديه: خوشرفتار و مهربان نسبت به والدینش.

(۸) وَلَمْ يَكُن جَبَّاراً: ستمگر و متکبر و خودبزرگبین نبود.

۹) عَصِيًّا: مقام عصمت و دوری او از گناه و معصیت را یادآوری می‌کند.

در این آیه به‌ظاهر کوتاه معانی گسترده و عمیقی جای داده شده است (ایجاز)، یعنی نسبت یحیی با والدینش، با مردم و با پروردگارش بررسی شده است. اگر این ارتباط را تعمیم دهیم می‌بینیم هر انسانی به‌طور اعم دارای این سه نوع ارتباط است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کل روابط انسانی و اخلاقی در این آیه کوتاه خلاصه شده است.

حرف «ب» که در این جا (کلمه جَبَّار) مشدد هم شده است، یک ارتباط لفظی و معنایی را در کلمه «جَبَّار» برقرار نموده است.

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۱۵

این آخرین آیه است در وصف صفات حضرت یحیی و حامل درود و سلام خداست بر یحیی در سه روز مهم زندگی اش (سه ویژگی و سه صفت دیگر). ارتباط این آیه با آیات قبلی با حرف ربط «و» نشان داده شده است.

سه روز مهم که در این جا به آن‌ها اشاره شده است روزهای هستند سرنوشت‌ساز و بسیار حساس که انسان بیش از همیشه نیاز به یاری و کمک خداوند دارد. زیرا هرکدام از این روزها آغاز و دروازه‌ای است به دنیایی جدید و پُر از ناشناخته‌ها. با تولد انسان قدم به «جهان» می‌گذارد. با مرگ وارد برزخ می‌شود و بالاخره با بعثت پس از مرگ دیده بر دنیای جدیدتری می‌گشاید که سرشار از عجایب است. از طرفی این هر سه جهان دارای پیچیدگی‌ها و اسرار و رموز بسیار است و انسان بدون کمک و یاری راهنما نمی‌تواند به سلامت این منازل را پشت‌سر بگذارد. بنابراین دریافت سلام و درود خداوند - که نشانه سلامتی و امنیت است - در این سه روز شگفت‌انگیز یکی از بزرگ‌ترین نعمات الهی است. آخرین جمله در مورد این آیه به کلمه «حیًّا»

برمی‌گردد. اگر در آیه ۱۲ دقت کنیم که آغاز شرح خصوصیات حضرت یحیی است با کلمه «یحیی» شروع شده و آیه ۱۵ که آخرین آیه در این زمینه است با کلمه «حیًّا» خاتمه یافته است و این هر دو کلمه از ریشه «حی» به معنای «زندگی» است. افعال «ولد» و «یَمُوتُ» هم که در این آیه ذکر شده‌اند با هم تبیین دارند. اللهم نُورِ قلوبنا بنور معرفتك»

### پی‌نوشت‌ها:

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ص ۱۱، ج ۲۷.
۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۳، ص ۷.
۳. اسرار قرآن کریم، دکتر مصطفی محمود، ترجمه و نگارش دکتر سید محمدباقر حجتی، بنیاد قرآن، ص ۱۶.
۴. آل عمران / ۵۸ - حجر / ۶ و ۹ - نحل / ۴۴ - الانبیاء / ۲ - الانبیاء / ۵۰ - فرقان / ۲۹ - الشعراء / ۶۵ - نیس / ۱۱ - جن / ۸۷ - فصلت / ۴۱ - زخرف / ۴۴ - القلم / ۵۲ و ۵۱ - طه / ۹۹ - ص / ۸ - عنکبوت / ۵۱.
۵. انعام / ۱۵۷ - اعراف / ۵۲ - اعراف / ۲۰۳ - یونس / ۵۷ - نحل / ۸۹ - اسراء / ۸۲ - نحل / ۷۷ - لقمان / ۳ - عنکبوت / ۵۱.
۶. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲۷، ص ۲۸.
۷. همان منبع، ص ۲۹.
۸. تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، ج ۱۳، ص ۲۴.
۹. همان منبع، ص ۲۴.

### سایر منابع مورد مطالعه:

۱. شناخت نام‌های قرآن، حوزه علمیه قم، محمدحسین شریفی.
۲. مباحثی در علوم قرآن، دکتر صبحی صالح، بنیاد مستضعفان، پاییز ۱۳۶۱.
۳. اعجاز قرآن و بلاغت محمد، مصطفی صادق راضی و عبدالحسین ابن‌الدین، بنیاد قرآن.
۴. پایه‌های انسانی شناخت قرآن، عبدالفتاح طیاره، ترجمه و تألیف محمدرسول دینانی، انتشارات رسالت قم.
۵. آشنایی با علوم قرآن، داود عطار، دکتر سید محمد رادمنش (ترجمه)، بنیاد قرآن.
۶. فنون بلاغت و صناعات ادبی، ج اول، استاد جلال‌الدین سمائی، انتشارات دانشگاه تهران.